

عنوان مقاله:

تحلیلی جامعه شناختی بر حکایت «شیخ صنعان» در منطق الطیر (براساس نظریه «داغ ننگ» اروینگ گافمن)

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 20، شماره 66 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

محمد خسروی شکیب - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه لرستان، ایران

خلاصه مقاله:

حکایت «شیخ صنعان» یکی از روایت های خواندنی در ادبیات عرفانی است. ضرورت و کاربست نظریه های جدید. موجب می شود تا حکایت مذکور فراتر از متن و بافت عرفانی خود، نشان دهنده دلالت های جامعه شناختی و روانشناختی باشد. با استفاده از رویکردهای مربوط به روانشناسی اجتماعی، علاوه بر خارج کردن متن مذکور از محدودیت های سنتی، ظرفیتی توضیحی و تفسیری فراهم می شود تا حکایت «شیخ صنعان» با توجه به نظریه «داغ ننگ» اروینگ گافمن، مورد ارزیابی قرار گیرد. گافمن با اصرار بر تحلیل رفتار و کنش های آگاهانه افراد در اجتماع، مبدع جامعه شناسی تحلیلی و غیر کمی است. روش تحقیق مورد نظر در این مقاله نیز کیفی، توصیفی و از نوع تحلیل رفتار و کنش فردی است. وجود متغیرهایی چون «الگوی نمایش»، «دو خویشی»، «طردشدگی و انزوای اجتماعی» ضایع شدن هویت مشترک، «آگاهان و خودی ها»، «آشکارشدگی»، «عادت واره»، «بازیافتن هویت از دست رفته»، «مکانیسم های دفاعی و روانی» و... در روایت شیخ صنعان، موجب شده است تا تحلیل و همچنین نتایج برآمده از کاربست نظریه جامعه شناختی- روانشناختی «داغ ننگ» گافمن در این حکایت. باورپذیر و متقاعد کننده باشد. پیش فرض این است که عدم تعادل و توازن میان «خود» فردی و «خود» اجتماعی. موجب «داغ ننگ» و رسوایی شیخ صنعان شده است.

کلمات کلیدی:

شیخ صنعان، جامعه شناسی، اروینگ گافمن، چند خویشی، داغ رسوایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1841061>

